

منصور بیرامی \*

بررسی و مقایسه صفات شخصیتی ( درونگرایی -  
برونگرایی و استواری - ناستواری ) دانشجویان  
موفق و ناموفق دانشگاه تبریز

چکیده :

در این پژوهش صفات شخصیتی ( درونگرایی - برونگرایی و استواری - ناستواری ) دانشجویان موفق و ناموفق دانشگاه تبریز مورد بررسی قرار گرفته است . فرض کلی بر این بود که دانشجویان موفق نسبت به دانشجویان ناموفق درونگرتر بوده و دارای استواری بیشتر هستند. برای آزمون فرضیه فوق ۳۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز که بالاترین معدلها را کسب کرده بودند به عنوان دانشجویان موفق و ۲۸۵ نفر از دانشجویان همان دانشگاه که پائین ترین معدلها را داشتند به عنوان دانشجویان ناموفق انتخاب شدند. سپس آزمون شخصیتی آیزنک از همه آنها به عمل آمد. نتایج بدست آمده در حالت کلی فرضیه ها را تایید نمودند.

---

\* عضو هیات علمی گروه روانشناسی دانشگاه تبریز.

تلویحات نظری و عملی نتایج به تفصیل در بخش آخر مورد بحث قرار گرفته‌اند.

چنانچه می‌دانیم بعضی از افراد زود امری را یاد می‌گیرند، در صورتی که یادگیری همین امر در مورد دسته دیگر به کندی صورت می‌گیرد. دانشجویانی در جریان تحصیلی به آسانی پیشرفت می‌کنند، ولی دانشجویان دیگر به زحمت می‌توانند آنچه را که معلم و استاد می‌آموزد فراگیرند. عوامل مختلفی در آن دخالت دارند. یکی از عوامل مهم مداخله گر ویژگیهای شخصیتی دانشجویان است .

شخصیت مفهومی انتزاعی است . روان شناسان مختلف شخصیت را به گونه‌های متفاوتی تعریف کرده‌اند. از جمله گوردون آلپورت<sup>۱</sup>، یعنی کسی که به نظر بسیاری بنیانگذار مطالعات نوین شخصیت است، شخصیت را بدین گونه تعریف کرده است : " سازمان پویایی از سیستمهای روان تنی فرد است که رفتارها و افکار خاص او را تعیین می‌کند". ریموند کتل<sup>۲</sup> شخصیت را این گونه تعریف کرده است : " شخصیت ، امکان پیش بینی آنچه را که فرد در موقعیت خاصی انجام خواهد داد، فراهم می‌کند" ( راس به نقل از جمالفر، ۱۳۷۳)، اتکینسون<sup>۳</sup>، اتکینسون و هیلگارد<sup>۴</sup> شخصیت را این گونه تعریف می‌کنند: " الگوهای معینی از رفتار و شیوه‌های تفکر است که نحوه سازگاری شخص را با محیط

1-Gordon W.Allport

2-Raymond Cattel

3-Atkinson

4-Hilgard

تعیین می کنند. " هال<sup>۱</sup> ولیندزی<sup>۲</sup> معتقدند که تعریف کامل و جامعی از شخصیت که عمومیت داشته و مورد قبول همگان باشد وجود ندارد (راس به نقل از جمالفر، ۱۳۷۳).

شخصیت از رویکردهای مختلف روانکاوی ، پدیدارشناسی، یادگیری و خلقی و... مورد بررسی قرار گرفته است . و به تبع این مطالعات ، تبیین های متفاوتی از نقش ویژگیهای شخصیتی در عملکرد افراد به عمل آمده است . یونگ<sup>۳</sup> (۱۹۴۵) معتقد بود که افراد آدمی در تعامل با یکدیگر ، دو نوع طرز تلقی و جهت گیری متفاوت از خود نشان می دهند: درون گرایی ، برون گرایی.

فرد برونگرا عمدتاً شخصی است اجتماعی و خوش برخورد که بیشتر با جهان خارج سروکار دارد و در موافقت با اقتضای جهان بیرونی زندگی می کند. توجه و علاقه، او به محیط بلاواسطه، محلی او متمرکزند. او دائم به اشخاص و امور توجه دارد و هماهنگ با مقتضیات جامعه رفتار می کند. ظرفیت او محدود است ، چه او می کوشد دقیقاً آنچه که محیط در حال حاضر از او می خواهد و انتظار دارد انجام دهد و از هر ابداع نوین که کاملاً روشن نیست و از حدود انتظارات اطرافیان از او خارج است خودداری می ورزد.

در حالی که فرد درونگرا احتمال دارد که کم حرف و گوشه گیر باشد و بیشتر علاقه دارد که در خودش فرو رود تا این که با دیگران ارتباط برقرار کند. برعکس برونگرا ، او با جهان خارجی در نبرد است .

1-Hall

2-Lindzy

3-yung

موضوعهای خارجی به طور ناخودآگاه به وسیله سازوکارهای جبرانی تقویت می شوند و فرد اسیرانه می گردد. مشکلات عملی او را گرفتار می سازند.

آیزنک<sup>۱</sup> (۱۹۵۳) تیپ های شخصیتی را به صورت گروههای مستقل و مجزا از هم که بتوان مردم را براساس آنها طبقه بندی کرد تفسیر نمی کند. بلکه معتقد است که تیپ های شخصیتی به شکل ابعاد به هم پیوسته ای هستند که در راستای آن مردم با هم تفاوت دارند. درونگرایی و برونگرایی حدود نهایی یک بعد واحد هستند. یک فرد نمی تواند کاملاً برونگرا و یا کاملاً درونگرا باشد. در واقع بیشتر مردم در جایی نزدیک به وسط ابعاد درونگرایی و برونگرایی قرار می گیرند. در این نظام استواری<sup>۲</sup> و نا استواری<sup>۳</sup> هیجانی حدود نهایی بعد ثبات هیجانی هستند.

برونگراها افرادی هستند که در آنها برانگیختگی به آرامی و به طور ضعیف صورت می گیرد. در حالی که بازداری در آنها به سرعت و به طور قوی اتفاق می افتد و اثر آن به آرامی پراکنده و از بین می رود. برعکس درونگراها افرادی هستند که برانگیختگی در آنها به سرعت و به طور قوی ایجاد می شود، در حالی که بازداری به آرامی و به طور ضعیف ایجاد شده و اثر آن به سرعت پراکنده و از بین می رود (آیزنک، ۱۹۵۳).

1-Eysenck

2-stability

3-unstability

برون گرایی صفت آن نوع شخصیت است که به محیط خارج و مردم و اشیاء توجه دارد و زندگی اجتماعی را بر زندگی درونی ترجیح می دهد. درون گرایی یکی از انواع شخصیت است که فرد به دنیای شخصی و مخصوص خودش متوجه است تا به دیگران ، و برای الهام - گیری بیشتر به افکار و احساسات درونی خویش تکیه می کند تا به محرکهای خارجی ( شعاری نژاد، ۱۳۶۴).

نتایج تحقیقی آیزنک نشان داد که فرد برونگرا خواندن و مطالعه تنهایی را دوست ندارد، در حالی که فرد درونگرا علاقه مند کتابهاست و مطالعه و خواندن را به معاشرت ترجیح می دهد. کم حرف و آینده نگر بوده و تمایل دارد برنامه ریزی کند. درونگرایان در مقایسه با برونگرایان ، به درد حساس ترند، زودتر خسته می شوند، هیجان در عملکرد آنها تاثیرمی گذارد و سُر - انجام این که ، دقیق تر ولی کندتر عمل می کنند ( پروین نه نقل از جعفری و کدیور ، ۱۳۷۴ ) . برونگرایان ترجیح می دهند که تعطیلات را با دیگران بگذرانند، در حالی که درونگرایان تعطیلات را به تنهایی به پایان می رسانند. درونگرایان در مدرسه موفق تر عمل می کنند. این موفقیت به خصوص در درسهای پیشرفته تر آشکار است . همینطور، دانشجویانی که به دلایل درسی ترک تحصیل می کنند، بیشتر برونگرا هستند.

در بعد استواری و ناستواری آیزنک مطرح می کند که هیجانات ناستوارها شدیداً تغییرپذیر و به آسانی قابل تحریک هستند، و در واقع حساس ، مضطرب و بی قرارند. هیجانات استوارها ثابت

بوده و به آسانی تحریک نمی‌شود ، افرادی آرام و قابل اعتماد هستند. بنابراین بعد استواری هیجانی متمرکز بر این ویژگی است که فرد به چه میزانی از سهولت و دشواری آشفته می‌شود، نااستواری هیجانی نیز با بدخلقی بالا، اضطراب و افسردگی همراه است (کارور<sup>۱</sup> و شییر،<sup>۲</sup> ۱۹۹۲) . نا استواری هیجانی ، در تئوریهای شخصیت ، یک ویژگی است که با تغییر هیجانی مفروض مشخص می‌شود (ریبر<sup>۳</sup> ، ۱۹۸۵) . و برعکس نااستواری هیجانی با کندی تحریک پذیری همراه است .

شکل (۱) چهار دسته از مردم را براساس ترکیب های مختلفی از میزان بالا و پائین این دو بعد نشان می‌دهد . براساس مدل آیزنک این چهار دسته مردم در چهار ربع بین نااستواری و برونگرای، برونگرا و استواری ، استواری و درونگرایی و بالاخره بین درونگرایی و نااستواری قرار می‌گیرند.

در توصیف ماهیت چهارگروه مطرح در شکل (۱) دو نکته را باید در نظر گرفت ، اول این که ، اگرچه شکل یک عدم پیوستگی را نشان می‌دهد اما هر دو صفت پیوسته هستند. دوم ، توصیف شکل به طور نسبی موارد حداکثر و متمایزکننده را نشان می‌دهد، درحالی که بیشتر مردم به نقطه میانی گرایش دارند (در هر دو بعد) و بنابراین تعداد کمی از افراد جامعه ویژگیهای بسیار بالا یا بسیار پائین را دارند.

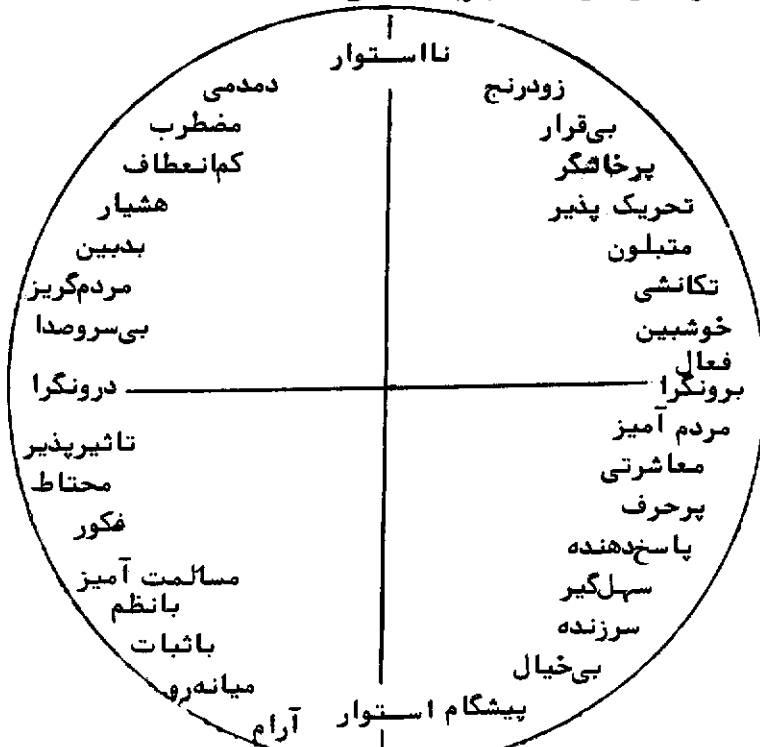
افرادی که درونگرا و دارای استواری هیجانی هستند افرادی کنترل شده ، آرام ، اندیشمند و فکور در اعمالشان هستند. از طرف دیگر

1-Carver

2-Scheier

3-Reber

ترکیب درونگرایی و نا استواری هیجانی موجب شکل گیری حس بد - اخلاقی ، توداری ، مردم گریزی ، بدبینی و مضطرب بودن در رفتارها می شود. درست همینطور برونگرایی نیز می تواند به صورت متفاوت به استواری هیجانی یا نا استواری هیجانی مربوط گردد. وقتی برونگرایی با استواری هیجانی ترکیب می یابد منجر به ایجاد و شکل گیری یک شخصیت مردم آمیز سهل گیر و بی خیال می گردد. نا استواری هیجانی در میان برونگرایان منجر به یک حالت تحریک پذیر پر خاشاکانه در رفتار می گردد (کاروروشییر، ۱۹۹۲) بنابراین وقتی یک بعد با بعد دیگر ترکیب می یابد اثرات رفتاری متفاوتی تولید می کند.



شکل ۱ - ویژگیهای شخصیتی افراد در چهار ربع بر اساس مدل آیزنک

بررسی اعتبار و نفوذ احتمالی متغیرهای شخصیت در پیشرفت تحصیلی به خصوص در سالهای اخیر، توجه بسیاری از محققان نظیر آیزنک و کوکسون<sup>۱</sup>، الیوت و انت<sup>۲</sup> ویستل<sup>۳</sup> را به خود جلب کرده است. اما در عین حال یافته های تحقیقات انجام شده بسیار پیچیده است (اورم، ۱۹۷۵).

یافته های آیزنک و کوکسون در سال ۱۹۶۹ و الیوت و انت ویستل در سال ۱۹۷۲ نشان می دهد که در سالهای اول تحصیلات دانشگاهی برونگراییان استوار و در سالهای آخر تحصیلات دانشگاهی درونگراییان نااستوار موفق ترین افراد هستند.

در سال ۱۹۷۱ تحقیقی توسط ترنر<sup>۴</sup>، ویلرمن<sup>۵</sup> و هورن<sup>۶</sup> انجام گرفت. این سه محقق WAIS<sup>۷</sup> را بر روی ۲۴۹ نفر اجرا کردند و همبستگی این عوامل شخصیتی چون برونگرایی و نورو تیسیم را با نمرات تستهای فرعی WAIS بدست آوردند. نتایج نشان دهنده این بود که همبستگی پائین ولی مثبت بین درونگرایی و هوش وجود دارد و اضطراب نیز یک رابطه منفی اما پائین با مقیاس هوشی داشت (بیرامی، ۱۳۷۳).

کاتلین اورم<sup>۸</sup> (۱۹۷۵) رابطه شخصیت، توانایی و پیشرفت

1-Cookson

2-Elliott

3-Ent Wistle

4-Therner

5-Willerman

6-Horn

7-Wechsler Adult intelligence scale

8-Kathleen orme



تحصیلی دانش آموزان مدارس ابتدایی انگلستان را مورد بررسی قرار داد . در این تحقیق وی از تست شخصیتی آیزنک ویژه خردسالان ( JEPI<sup>۱</sup> ) برای سنجش حالات نوروتیک و درونگرایی و برونگرایی و ازماتریس های پیشرونده کودکان ( CPM )<sup>۲</sup> برای سنجش هوش کودکان استفاده کرد . نتایج نشان داد که هوش یکی از عوامل مهم پیشرفت تحصیلی است و کودکان نا استوار در مقایسه با کودکان استوار در سطح بالاتری از پیشرفت تحصیلی قرار دارند .

بعضی از تحقیقات هیچ تفاوت معنی داری را بین دو گروه از هر دو بعد در پیشرفت تحصیلی نشان نمی دهند، به عنوان مثال تحقیق انجام گرفته توسط سروش عرفانی ( ۱۳۵۲ ) با استفاده از تست شخصیتی آیزنک روی دانشجویان دانشگاه شیراز و دانش آموزان دبیرستانهای شیراز نمونه‌ای از تحقیقات این چینی است .

بعضی از تحقیقات سطح بالای هوش و پیشرفت تحصیلی را در میان درونگراها نسبت به برونگراها نشان می دهد، به عنوان مثال تحقیق انجام شده توسط زیبا عابدین زاده ( ۱۳۶۴ ) در تبریز بر روی دانش آموزان دختر ۱۹ - ۱۷ سالگی موید این نکته است . همچنین تحقیق انجام شده توسط غلامرضا سیختی ( ۱۳۵۷ ) در دانشگاه شیراز نشانگر ارتباط معنی داری بین درونگرایی و نوروتیک بودن با پیشرفت تحصیلی در میان دختران و پسران ایرانی است .

1-Junior Eysenek Personality inventory

2-Coloured progressive Matrices

با توجه به یافته های پژوهشی و نظری بالا ، پژوهش حاضر به بررسی فرضیه های زیرمی پردازد:

فرضیه اول : دانشجویان موفق نسبت به دانشجویان ناموفق درونگرا تر هستند ( بین میزان درونگرایی و برونگرایی دانشجویان موفق و ناموفق تفاوت معنی دار آماری وجود دارد).

فرضیه دوم : دانشجویان موفق نسبت به دانشجویان ناموفق از درجه استواری بیشتری برخوردار هستند ( بین میزان استواری دانشجویان موفق و ناموفق تفاوت معنی دار آماری وجود دارد).

### روش تحقیق

آزمودنیها : با مراجعه به ادارات آموزش تمام دانشکده های دانشگاه تبریز معدل کل همه دانشجویان ترمهای پنج ، شش ، هفت و هشت محاسبه شد. سپس این معدلها بر حسب رشته و ورودی از پائین به بالا مرتب شدند. در نهایت دانشجویان هر ورودی بر حسب رشته خود از نظر معدل به هشت طبقه متفاوت تقسیم شدند. دانشجویان طبقه اول یعنی پائین ترین طبقه ( دانشجویان ناموفق ) و دانشجویان طبقه هشتم یعنی بالاترین طبقه ( دانشجویان موفق ) نمونه مورد مطالعه این پژوهش را تشکیل دادند. بدین ترتیب ۵۸۵ نفر دانشجویان که ۳۰۰ نفر آنها موفق و ۲۸۵ نفر آنها ناموفق بودند به عنوان نمونه های فرعی ، این نمونه مرکب را تشکیل دادند.

**آزمون و شیوه اجرا :** شیوه اجرای آزمون فردی بود، برای این که در صورت اجرای گروهی آن احتمال این امر وجود داشت که

آزمودنیها متوجه این نکته شوند که گروه مورد بررسی ترکیبی از دانشجویان موفق و ناموفق بود. و در نتیجه احتمال عدم همکاری خصوصا توسط دانشجویان ناموفق بالا می رفت. به دنبال مباحثه با هر آزمودنی و جلب همکاری او، به وی گفته می شد که هدف از انجام پژوهش، بررسی نقش ویژگیهای شخصیتی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان است. برای این که نکته ابهامی برای آزمودنی باقی نماند، وضعیت تحصیلی او از خودش سؤال شده و یادداشت می شد، که در واقع این اظهار نظرها به عنوان داده های خام اطلاعاتی در نظر گرفته نمی شد. سپس فرم الف آزمون شخصیتی آیزنک<sup>۱</sup> ترجمه براهنی (۱۳۴۹) در اختیار آزمودنی قرار می گرفت. در پایان نمرات برونگرایی - درونگرایی، استواری - ناستواری و دروغ سنجی آنها محاسبه شد.

### نتایج

نتایج حاصل از آزمودنیها براساس نرم ارائه شده توسط آیزنک (۱۹۷۴) در هر دو بعد درونگرایی و برونگرایی و استواری و ناستواری برای هر دو گروه موفق و ناموفق محاسبه شد. براساس مقیاس دروغ - سنجی ( ) همه پرسشنامه های تکمیل شده دارای اعتبار بودند. جدول شماره یک پراکندگی آزمودنیهای موفق را براساس مقیاس Extraversion به صورت فراوانی، درصد، مطابق امتیازات آنها نشان می دهد.

۱ - این آزمون توسط هانز آیزنک و سی بیل آیزنک تهیه شده است .

جدول ۱ - پراکندگی آزمودنیهای موفق براساس مقیاس Extraversion

طبقات	فراوانی	درصد	امتیازات
برونگرایی	۳۹	۱۳	۱۷ و بالاتر
میانگرایی	۱۸۶	۶۲	۹ - ۱۶
درونگرایی	۷۵	۲۵	۸ و کمتر

جدول شماره دو پراکندگی آزمودنیهای موفق را براساس مقیاس Neuroticism به صورت فراوانی ، درصد، مطابق امتیازات آنها نشان می دهد.

جدول ۲ - پراکندگی آزمودنیهای موفق براساس مقیاس Neuroticism

طبقات	فراوانی	درصد	امتیازات
استوار	۷۴	۲۴/۶۶	۵ و کمتر
متعادل	۱۹۲	۶۴	۶ - ۱۵
نااستوار	۳۴	۱۱/۳۳	۱۶ و بالاتر

جدول شماره ۳ پراکندگی آزمودنیهای ناموفق را بر اساس مقیاس Extraversion به صورت فراوانی ، درصد مطابق با امتیازات آنها نشان می دهد.

جدول ۳ - پراکندگی آزمودنیهای ناموفق بر اساس مقیاس Extraversion

طبقات	فراوانی	درصد	امتیازات
برونگرایی	۶۵	۲۲/۸	۱۷ و بالاتر
میانگرایی	۱۹۵	۶۸/۴۲	۹ - ۱۶
درونگرایی	۲۵	۸/۲۷	۸ و کمتر

جدول شماره ۴ پراکندگی آزمودنیهای ناموفق را بر اساس مقیاس Neuroticism به صورت فراوانی، درصد، مطابق امتیازات آنها نشان می دهد.

جدول ۴ - پراکندگی آزمودنیهای ناموفق بر اساس مقیاس Neuroticism

طبقات	فراوانی	درصد	امتیازات
استوار	۲۹	۱۰/۱۷	۵ و کمتر
متعادل	۱۷۲	۶۰/۳۵	۶ - ۱۵
نااستوار	۸۴	۲۹/۴۷	۱۶ و بالاتر

جدول شماره ۵ میانگین و انحراف معیار مقیاس های درونگرایی- برونگرایی و استواری و ناستواری را در گروه های موفق و ناموفق مورد بررسی نشان می دهد. لازم به یادآوری است که این جدول با استفاده از اطلاعات جدول های شماره یک تا چهار بدست آمده است .

جدول ۵ - میانگین و انحراف معیار دو مقیاس مدنظر در گروه ها

گروه ها	شاخص های محاسبه شده	برونگرایی- درونگرایی	استواری- ناستواری
موفق	M	۱۱/۸۶	۱۰/۶۶
	S	۴/۲	۴/۵
ناموفق	M	۱۳/۴۲	۱۲/۹۸
	S	۳/۶۵	۴/۸۳

با استناد بر نتایج بدست آمده بر روی ویژگی های مورد بررسی آزمون  $\chi^2$  به عمل آمده که نتایج آن در جدول شماره ۶ آمده است . جدول ۶ - نتایج محاسبات مجذور کا ( $\chi^2$ ) بر روی ویژگی های مورد بررسی در بین گروه ها

ویژگی ها	$\chi^2$	df	C	P
Extraversion	۳۱/۵۶	۲	۰/۲۲	٪۱
Neuroticism	۴۱/۵۷	۲	۰/۲۵	٪۱

**آزمون فرضیه اول تحقیق : فرضیه اول تحقیق بیان می کرد که**

دانشجویان موفق نسبت به دانشجویان ناموفق درونگراتر هستند، و یا به عبارتی دانشجویان درونگرا در تحصیلات موفق تر هستند. همانطور که در جداول شماره ۱ و ۳ مشاهده می شود فراوانی و درصد درونگرایی در میان دانشجویان موفق بیشتر است ، درحالی که فراوانی و درصد برونگرایی در میان دانشجویان ناموفق بیشتر است . بساا بودن میانگین دانشجویان ناموفق ( ۱۳/۴۲ ) با انحراف معیار کمتر ( ۲/۶۵ ) در مقیاس Extraversion نیز این نکته را در جدول ۵ تایید می کند. و همچنین همانطور که در جدول ۶ مشاهده می شود مجذور کا (  $x^2$  ) اثر ویژگی شخصیتی درونگرایی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان را معنی دار نشان داد.  $x^2$  بدست آمده ( مقدار ۳۱/۵۶ ) از  $x^2$  قابل انتظار ( مقدار ۹/۲۱ ) در سطح ۰/۹۹ اطمینان بزرگتر است ، چون در مقیاس مورد بررسی سه بعد دورنگرایی، میانگرایی و برونگرایی در مقابل دو گروه موفق و ناموفق قرار داشت لذا جدول  $x^2$  بیش از ۲×۲ بود و به همین سبب برای بررسی ضریب همبستگی این دو متغیر ( درونگرایی و پیشرفت تحصیلی ) از روش - ضریب توافقی ) استفاده شد و سپس با استفاده از فرمول :

مشخص شد که سقف همبستگی در همچسون مواردی  $0/70$  است که عدد بدست آمده (  $0/22$  ) همبستگی متوسطی

را بین دو متغیر نشان داد. بنابراین فرضیه اول پژوهش تایید شد.

**آزمون فرضیه دوم تحقیق : فرضیه دوم تحقیق بیان می کرد که**

دانشجویان موفق نسبت به دانشجویان ناموفق از درجه استواری

بیشتری برخوردار هستند. و یا به عبارتی دانشجویان استوار در تحصيلات موفق تر هستند. همانطور که در جداول ۲ و ۴ مشاهده می شود فراوانی و درصد استواری در میان دانشجویان موفق بیشتر است، در حالی که فراوانی و درصد نا استواری در میان دانشجویان ناموفق بیشتر است. بالا بودن میانگین دانشجویان ناموفق (۱۲/۹۸) با انحراف معیار (۴/۸۳) در مقیاس Neuroticism نیز این نکته را در جدول ۵ تایید می کند. و همچنین همانطور که در جدول ۶ مشاهده می شود مجذور کا ( $x^2$ ) اثر ویژگی شخصیتی استواری در پیشرفت تحصیلی دانشجویان را معنی دار نشان داد. بدست آمده (مقدار ۴۱/۵۷) از  $x^2$  قابل انتظار (مقدار ۹/۲۱) در سطح ۰/۹۹ اطمینان بزرگتر است. برای بررسی ضریب همبستگی بین این دو متغییر (استواری و پیشرفت تحصیلی) از روش ضریب توافقی C استفاده شد، چون در مقیاس مورد بررسی سه بعد استواری، متعادل و ناستواری در مقابل دو گروه موفق نا موفق قرار داشت. و سپس با استفاده از فرمول  $C_{Max}$  سقف همبستگی ۰/۷۰ برآورد شد که عدد بدست آمده (۰/۲۵) همبستگی مثبت و متوسطی را بین دو متغییر استواری و پیشرفت تحصیلی نشان داد. بنابراین فرضیه دوم نیز تایید شد.

#### بحث

قبل از پرداختن به بحث در باره نتایج، یادآوری می شود که صفات و ویژگیهای موردنظر در این تحقیق در هر دو بعد (درونگرایی -



برونگرایی و استواری - ناستواری ( دو طبقه خاص شخصیتی را از هم جدا می سازند که شامل همه افراد جامعه نمی شود) حتی در ایمن پژوهش نیز شامل همه دانشجویان نمی شود) ، بلکه بیشتر افراد جامعه از لحاظ این صفات نه چندان پیشرفته اند که برونگرا باشند و نه چندان عقب مانده اند که کاملاً درونگرا باشند، بلکه اکثریت در حدی قرار دارند که بتوان آنها را میانگرا نامید. همچنین در بعد استواری- ناستواری بیشترین افراد جامعه نه زیاد باثبات هستند و نه زیاد روان نژند، بلکه در حدی هستند که بتوان آنها را متعادل نامید ( آیزنک ، ۱۹۵۳ ).

همانطوری که در بخش نتایج مشاهده شد، فرضیه اول این تحقیق مبنی بر این که دانشجویان موفق از نظر ویژگیهای شخصیتی نسبت به دانشجویان ناموفق درونگراتر هستند، و یا این که درونگرایان نسبت به برونگرایان از پیشرفت تحصیلی بالاتری برخوردارند مورد تایید قرار گرفت . نتایج این پژوهش تاییدی بر رویکرد خلق و خوی شخصیت آیزنک ( ۱۹۵۳ ) می باشد. پدیده ای که توسط کاتلین اورمی ( ۱۹۷۵ ) نیز مورد تایید قرار گرفته است . درونگراها افرادی هستند که در آنها برانگیختگی به سرعت و به طور قوی ایجاد می شود ، در حالی که بازداری به آرامی و به طور ضعیف ایجاد شده و اثر آن به سرعت پراکنده و از بین می رود، در نتیجه درونگراها در فعالیتهایی که نیاز به تحریکات بیرونی ندارند موفق تر از برونگرا ها عملاً می کنند، و چون تحصیل یکی از فعالیتهایی است که درونگراها بدون تحریکات خارجی به تنهایی می توانند انجام دهند لذا در این مورد

موفق تر از برونگرا ها عمل می کنند. به طور خلاصه ، الگوهای رفتاری برونگرایی به وسیله یک تعامل بین قشر مغز و سیستم فعال کننده شبکه است که موجب برانگیختگی نسبتا پائین مغز می شود و در نتیجه یادگیری کمتر و نهایتا پیشرفت تحصیلی نیز کند انجام می گیرد، در صورتی که الگوهای رفتاری درونگرایی به وسیله حالات نسبتا بالایی از برانگیختگی قشر مغز ایجاد می شود و در نتیجه پیشرفت تحصیلی این افراد به سرعت انجام گرفته و در این مسیر صفات موفق را به خود اختصاص می دهند. طبق آزمون روت<sup>۱</sup> از مجموعه جوابهای این سؤال که " ترجیح می دهید از ایام فراغت خود چگونه استفاده کنید؟ " درونگراها بیشتر اظهار می کنند که دوست دارند همه وقت خود را به مطالعه و برنامه ریزی بگذرانند، در حالی که برونگرایان بیشتر اظهار می کنند که دوست دارند عملا اوقات فراغت را صرف ورزش و شرکت در مسابقات بکنند. در نتیجه ، نتایج این پژوهش یافته های آزمون روت را نیز تایید می کند. یافته های این پژوهش در چارچوب تئوری عمومی سیستمها نیز قابل تبیین است. این تئوری پیشگوئی می کند که افراد درونگرا پاسخهای شرطی شده را سریع تر و برای مدت طولانی تری تشکیل می دهند تا مردم برونگرا. این پیشگویی از اسناد تهییج بالائزبه درونگراها و وقفه بیشتر به برونگراها ناشی می شود. بالاخره بالا بودن پاسخهای شرطی شده در درونگرایی می تواند یکی از دلایل عمده پیشرفت تحصیلی باشد. نتایج این پژوهش با یافته های پژوهش های مشابه ( سیختی ، ۱۳۵۷ و - عابدین زاده ، ۱۳۶۴ ) نیز مطابقت دارد.

یافته فرضیه دوم عبارت است از این که دانشجویان استوار از دانشجویان ناستوار (نوروتیک) پیشرفت تحصیلی بهتری دارند. این یافته مطابق قانون یرکز - دادسون<sup>۱</sup> نیز قابل تبیین است. بر طبق قانون یرکز دادسون حد مطلوب انگیزش، اضطراب و بی ثباتی هیجانی با درجه دشواری پاسخ کاهش می یابد (براهنی و همکاران، ۱۳۶۸). افزایش اضطراب و بی ثباتی هیجانی تا میزان معینی اثر مثبت بر رفتار دارد، ولی هرگاه شدت آن از میزان معینی فراتر رود عملاً رفتار را مختل می کند. به همان میزان که رفتار مورد مطالعه دشوارتر می شود به همان میزان نیز افزایش بی ثباتی و اضطراب اثر خود را از دست می دهد. مطابق این قانون می توان گفت که دانشجویان ناستوار معمولاً در تکالیف ساده موفقیت دارند و چون تکالیف سالی اول نسبتاً ساده تر است، لذا پیشرفت تحصیلی آنها در سالی اول تقریباً بهتر است، ولی به همان میزان که تکلیف دشوارتر می شود و سالیهای تحصیلی بالاتر می رود عملکرد آنها لطمه می بیند. در نتیجه گیری می توان گفت با توجه به این که دانشجویان استوار درجه پائین تری از اضطراب را تجربه می کنند، لذا موجب موفقیت آنان در پیشرفت تحصیلی می شود، در حالی که دانشجویان ناستوار درجه بالاتری از اضطراب را تحمل می کنند و در نتیجه عملکرد پیشرفت تحصیلی آنان آسیب می بیند. نتایج این پژوهش در فرضیه دوم با یافته های مشابه (آیزنک و کوسون، ۱۹۶۹) والیوت و انت ویستل، (۱۹۷۲) نیز مطابقت دارد.

## مراجع :

- ۱ - اتکینسون ، ریئا واتکینسون ، ریچاردو هیلگارد، ارنست. (۱۳۶۸).  
زمینه روان‌شناسی ، ترجمه دکتر محمدنقی‌براهنی و همکاران ،  
انتشارات رشد: تهران .
- ۲ - اورم ، کاتلین ، ( ۱۳۵۴ ) . شخصیت ، توانایی و پیشرفت تحصیلی.  
مجله روان‌شناسی ، سال چهارم ، شماره دوازدهم ، صص ۲۲۷-۲۲۷ .
- ۳ - بیرامی ، منصور . (۱۳۷۳). ماهیت نوروز . جزوه درسی چاپ نشده  
دانشگاه تبریز.
- ۴ - پروین ، لارنس . (۱۳۷۴) روان‌شناسی شخصیت ( نظریه و تحقیق )،  
ترجمه محمدجواد جعفری و پروین کدیور، انتشارات موسسه خدمات  
فرهنگی رسا : تهران.
- ۵ - دلاور، علی. (۱۳۶۷) بروشهای آماری در روان‌شناسی و علوم تربیتی .  
انتشارات دانشگاه پیام نور: تهران .
- ۶ - راس ، آلن . (۱۳۷۳). روان‌شناسی شخصیت ( نظریه‌ها و فرایندها )،  
ترجمه سیاوش جمالفر، انتشارات بعثت : تهران.
- ۷ - سیختی، غلامرضا. (۱۳۵۷) رساله تحصیلی جهت اخذ لیسانس ، دانشگاه  
شیراز.
- ۸ - شعاری نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۶۴). فرهنگ علوم رفتاری. انتشارات  
امیرکبیر: تهران .
- ۹ - عابدین زاده ، زیبا . (۱۳۶۴). رابطه هوش ، صفات شخصیتی و  
پیشرفت تحصیلی ، رساله تحصیلی جهت اخذ لیسانس ،  
دانشگاه تبریز.

- ۱۰ - عرفانی ، سروش . ( ۱۳۵۶ ) . بررسی تیپ های شخصیتی در رابطه با پیشرفت تحصیلی . رساله تحصیلی جهت اخذ لیسانس ، دانشگاه شیراز .
- ۱۱ - موری ، ادوارد . ( ۱۳۶۳ ) . انگیزش و هیجان ، ترجمه دکتر محمد نقی براهنی ، انتشارات چهر : تهران .
- 12-Carver, C.S, and Scheier, M.F. (1992). Perspectives on personality. New York: Allyn and Bacon.
- 13-Eysenck, H.J. (1982). Personality, genetics and behavior. New York: Praeger.
- 14-Eysenck, H.J. (1953). The structure of human personality. New York: Wiley.
- 15-Eysenck, J.J, and Eysenck, S.B.G. (1963). Eysenck Personality Inventory. san Diego, CA: Educational and industrial Testing service.
- 16-Reber, A.S. (1985). Dictionary of Psychology. New York: Reber.
- 17-Root, A.R. (1931). "A short test of introversion - Extraversion". Person. J., 10, 250-253.
- 18-Yong, P.C. (1940). Hypnotic regression - fact or artifact. J. abnormal. Soc. Psychol., 35: 273-278.

